

بسمه تعالی

دانشگاه کوثر قزوین

**عنوان:
انقلاب اسلامی**

استاد:

جناب آقای بصیری فرد

دانشجو:

سید علی مختاری فرد

سال ۱۳۹۰

فهرست مطالب

مقدمه	۴
امیرکبیر ایران	۴
آغاز انقلاب	۵
عدالت خوانه می خواهیم	۵
هجرت به قم	۶
فرمان مشروطیت	۶
استبداد کوچک	۶
قیام علیه استبداد	۷
سردار ملی سالار ملی	۷
انحراف مشروطه	۸
مشروطه‌ی مشروعه	۸
پس از مشروطه	۹
جنبش مشروطه ایران	۹
پیشینه	۱۰
خواست‌ها	۱۱
فرمان مشروطیت	۱۲
مجلس اول	۱۲
محمدعلی شاه	۱۳
به توپ بستن مجلس	۱۴
شکست در تهران	۱۴
قیام در تبریز	۱۴
نقشه تبریز در قیام مشروطه	۱۵
قیام گیلان	۱۶
قیام بختیارها	۱۷
نقش زنان در جنبش مشروطه	۱۸
فتح تهران	۱۹
مجلس دوم	۲۰
اولتیماتوم روسیه تزاری	۲۲
انقلاب	۲۵

۲۶امام خمینی و انقلاب اسلامی
۲۸انقلاب ایران (۱۳۵۷)
۲۹پیشینه و علل
۳۰کودتای ۲۸ مرداد و تانک سواری مخالفان محمد مصدق
۳۲وقایع سال ۱۳۵۶ خورشیدی
۳۴وقایع سال ۱۳۵۷ خورشیدی
۴۱وقایع سال ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۰ خورشیدی
۴۳آماري از برخوردهای بین ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ تا ۳۰ خرداد ۱۳۶۰
۴۴صدور انقلاب
۴۵برخورد با مطبوعات
۴۵قوانین اسلامی
۴۵تظاهرات زنان بر علیه فرمان خمینی
۴۶دیدگاه‌های گوناگون درباره ماهیت انقلاب
۴۸اسلامی بودن انقلاب
۵۱پانویس
۵۷منابع

مقدمه

انقلاب مشروطه‌ی ایران در قرن سیزدهم هجری برای براندازی حکومت استبدادی پدید آمد و با امضای فرمان مشروطیت توسط مظفردین شاه قاجار در سال ۱۲۸۵ هجری شمسی به پیروزی رسید. دوره‌ی حکومت قاجار با نفوذ استعمار انگلیس در ایران همراه بود. شکست‌های ایرانیان از روسیه نیز شرایط را برای تاثیر گذاری آنان بر جریان‌های سیاسی ایران فراهم کرد. رقابت انگلیس و روسیه برای به دست آوردن امتیاز در ایران در دوران ناصرالدین شاه به اوج خود رسید که مخالفت‌های علمای دین و قیام مردمی را به همراه داشت .

امیرکبیر ایران

میرزا تقی خان امیرکبیر در سه سال صدر اعظمی خود، کوشید راه نفوذ استعمارگران را دشوار کند. او به یک انقلاب فرهنگی دست زد و دارالفنون را بنیان نهاد، روزنامه‌ی وقایع‌التفاحیه را منتشر کرد و اعلام کرد از این پس فقط افرادی از صندوق دولت حقوق می‌گیرند که کار و شغلی داشته باشند. او حقوق شاهزادگان قاجار و حتی حقوق مهدعلیا، مادر ناصرالدین شاه را قطع کرد. او ۱۰ سال پیش از ژاپنی‌ها دست به اصلاحات زد و اگر دخالت انگلیس و روسیه نبود، امروزه وضعیت ایران بسیار بهتر از ژاپن بود .

امیرکبیر در سال ۱۲۳۰ با نیرنگ انگلیسی‌ها و کمک مهدعلیا به کاشان تبعید و در حمام فین کاشان به شهادت رسید. اما بنیان‌گذاری دارالفنون، راه‌اندازی چاپخانه‌ها و انتشار روزنامه به زبان فارسی در داخل و خارج کشور، که امیرکبیر آغاز کننده‌ی چنین حرکت‌هایی بود، ارتباط ایرانیان تحصیل‌کرده با اروپاییان و رواج اندیشه‌های انقلابی

سیدجمال الدین اسدآبادی، به رشد نهضت آزادی خواهی کمک کرد و مردم نیز آرام آرام دریافتند که حکومت پایبند به قانونی که نمایندگان مردم تصویب کرده باشند، می تواند از نفوذ بیگانگان جلوگیری کند و کشور را آباد سازد .

آغاز انقلاب

ناخرسندی مردم از حکومت در سال های پایانی حکومت ناصرالدین شاه به اوج خود رسید . او برای فراهم کردن هزینه ی سفرهای خود به خارج از کشور، امتیازهای زیادی به روس و انگلیس داد. امتیاز انحصار محصول توتون و تنباکوی ایران از مرحله ی کشت تا فروش در داخل و خارج کشور به مدت پنجاه سال که به یک شرکت انگلیسی واگذار شد، با مخالفت شدید علما، بازرگانان و برخی از دولت مردان روبه رو شد. میرزا حسن شیرازی، مرجع بزرگ شیعیان که در نجف اقامت داشت، استفاده از تنباکو را حرام اعلام کرد و دولت ایران مجبور شد با پرداخت قرامت به شرکت انگلیسی، آن قرار داد را لغو کند. این حرکت جرقه ی حرکت های بعدی را روشن کرد .

عدالت خوانه می خواهیم

گلوه ی تفنگ میرزا رضای کرمانی، از مریدان سیدجمال الدین اسد آبادی، به استبداد ناصرالدین شاه قاجار پایان داد. فرزند او، مظفرالدین شاه، نیز به راه پدر رفت و سه سفر به اروپا داشت که هزینه هایی را بر ملت تحمیل کرد. او کارها را به صدراالعظم های خودکامه ی خود، عین الدوله و امین السلطان، سپرد. در این دروان چند بار قحطی نان روی داد و قند آن قدر گران شد که مردم به سختی می توانستند نان خالی و چای شیرین را برای خانواده ی خود فراهم کنند. علاءالدوله، حاکم تهران، برخی از پیشه وران و

بازرگانان را که همراه روحانیان به مخالفت با دولت برخاسته بودند، به بهانه‌ی گران‌فروشی چوب زد. عده‌ای از روحانیون و بازرگانان در اعتراض به این کار در حرم حضرت عبدالعظیم تجمع کردند و خواستار تشکیل عدالت‌خانه شدند .

هجرت به قم

مظفرالدین شاه نخست به مردم وعده‌ها داد، اما در عمل به خواسته‌های مردم توجه نکرد و عین‌الدوله بر بیدادگری خود افزود. در شورشی که مردم در اعتراض به کارهای او انجام دادند، طلبه‌ای بر اثر تیراندازی کشته شد و در تشییع جنازه‌ی او نیز درگیری‌های خونینی رخ داد که به تجمع مردم و علما در تهران و سفر گروهی از آنان به رهبری سیدمحمد طباطبایی و سید عبد الله بهبهانی، از مجتهدان معروف تهران، به قم انجامید. آنان نامه‌ای به شاه نوشتند و تهدید کردند اگر به وعده‌هایی که داده است عمل نکند، کشور را ترک خواهند کرد. به این ترتیب، شورش مردم در تهران به اوج خود رسید .

فرمان مشروطیت

سرانجام مظفرالدین شاه در برابر خواست مردم تسلیم شد، عین‌الدوله را کنار گذاشت و در ۱۴ مرداد ۱۲۸۵ هجری شمسی، فرمان مشروطیت را امضاء کرد. پس از مدت کوتاهی، شاه قانون انتخابات را امضا کرد و نخستین انتخابات سراسری در ایران برگزار شد. پس از گشایش نخستین دوره ی مجلس، که مجلس شورای ملی نام گرفت، قانون اساسی نوشته شد و شاه آن را امضاء کرد .

استبداد کوچک

مظفرالدین شاه مدت کوتاهی پس از امضای قانون اساسی فوت کرد و سلطنت به فرزندش محمدعلی شاه رسید که نظام سلطنت مشروطه را باور نداشت و خواهان حکومت مطلقه بود. لیاخوف روسی به دستور او مجلس را به توپ بست، گروهی از آزادی خواهان و روزنامه نگاران، از جمله میرزا جهان گیر شیرازی مدیر روزنامه ی صوراسرافیل، به دار آویخته شدند و سیدمحمد طباطبایی و سید عبد الله بهبهانی را تبعید کردند. این دوره، که بیش از یک سال طول نکشید، به استبداد صغیر(کوچک) مشهور است .

قیام علیه استبداد

محمدعلی شاه با قیام های مردمی رو به رو شد. آذربایجانی ها پیش از همه واکنش نشان دادند. در تبریز ستارخان و باقرخان با همکاری گروهی از بزرگان شهر قیام مردمی را سازمان دهی کردند. عین الدوله به فرمان شاه شهر را محاصره کرد. محاصره یازده ماه طول کشید، اما مردم به وجود قحطی از قیام خود دست برنداشتند. این مقاومت، آزادی خواهان شهرهای دیگر را به قیام و پایداری فراخواند. آزادی خواهان گیلان قزوین را تصرف کردند و به طرف تهران حرکت کردند. آزادی خواهان اصفهان نیز به رهبری سردار اسعد به تهران وارد شدند. محمدعلی شاه به سفارت روسیه پناهنده شد و مشروطه خواهان اداره کشور را برعهده گرفتند .

سردار ملی سالار ملی

ستارخان و باقرخان از نخستین مجاهدانی بودند که همراه هفده نفر د ی گر از آزادی خواهان صف ضد استبداد تشک ی ل دادند. ای ن گروه با همراهی و حم ای ت مردم تبر

ی ز شهر را به چند محله تقسیم کردند و تبریزی را از دست نیروهای دولتی خارج کردند . مجلس دوم از این دو قهرمان تقدیر کرد و ستارخان را به سردار ملی و باقرخان را به سالار ملی ملقب ساخت . متأسفانه این دو مرد تاثیرگذار با انحراف مشروطیت خانه نشین شدند و حکومت بار دیگر به دست خودکامگان افتاد .

انحراف مشروطه

پس از پیروزی مشروطه خواهان بر محمدعلی شاه، بین سران مشروطه اختلاف افتاد و بیگانگان از این فضا استفاده کردند و با پشتیبانی از وفاداران خود که در میان مشروطه خواهان نفوذ کرده بودند، نیروهای اصیل و انقلابی را خانه نشین کردند. برخی از مشروطه خواهان را نیروهای روس در تبریز و رشت به دار آویختند. روحانیان نیز که انحراف مشروطه از هدف های واقعی خود را دیدند، از پشتیبانی آن دست کشیدند. شروع جنگ جهانی اول و کم تجربگی احمدشاه قاجار که از سوی مشروطه خواهان به سلطنت انتخاب شده بود، شرایط را برای به قدرت رسیدن حکومت استبدادی دیگری فراهم کرد .

مشروطه‌ی مشروعه

یکی از روحانیون برجسته ی تهران که در آغاز پشتیبان مشروطه بود، شهید شیخ فضل الله نوری بود که چون بر عقیده ی خود بر نظام مشروطه ی مشروعه پافشاری کرد، از مخالفان مشروطه به شمار رفت و به فرمان دادگاه انقلابی مشروطه خواهان به دار آویخته شد. شیخ بر این باور بود که مجلس شورای ملی باید مجلس شورای اسلامی

باشد و چند مجتهد اسلام شناس بر روند قانون گذاری آن نظارت کنند تا مخالف قانون شرع نباشد .

پس از مشروطه

رضاخان به دنبال کودتایی که با پشتیبانی انگلیسی ها در اسفند ۱۲۹۹ انجام داد، پیش نیازهای به قدرت رسیدن خود را فراهم کرد. او نخست به عنوان سردار سپه در دربار قاجار نفوذ کرد و با دادن وعده و رشوه به نمایندگان مجلس، بسیاری از آنان را فرمانبردار خود کرد. زمانی که موضوع خلع قاجار از قدرت و به سلطنت رسیدن رضا خان در مجلس مطرح شد، مرحوم شهید مدرس به شدت با آن مخالفت کرد، اما بسیاری از نمایندگان به انقراض قاجار و تشکیل سلطنت پهلوی رای دادند. رضاخان بسیاری از آزادی خواهان را زندانی یا تبعید کرد و برخی از جمله مدرس را به شهادت رساند .

جنبش مشروطه ایران



گروهی از مشروطه‌طلبان .

جُنُبِشِ مَشْرُوطَهٗ ایران مجموعه کوشش‌ها و رویدادهائی است که در دوره مظفردالدین شاه قاجار و سپس در دوره محمدعلی شاه قاجار برای تبدیل حکومت استبدادی به حکومت مشروطه رخ داد و منجر به تشکیل مجلس شورای ملی و تصویب اولین قانون اساسی ایران شد.

پیشینه

از اوائل سلطنت ناصرالدین شاه قاجار نارضایتی مردم از ظلم و ابستگان حکومت رو به رشد بود. تأسیس دارالفنون و آشنایی تدریجی ایرانیان با تغییرات و تحولات جهانی اندیشه تغییر و لزوم حکومت قانون و پایان حکومت استبدادی را نیرو بخشید. نوشته‌های روشنفکرانی مثل حاج زین‌العابدین مراغه‌ای و عبدالرحیم طالبوف و میرزا فتحعلی آخوندزاده و میرزا ملکم خان و میرزا آقاخان کرمانی و سید جمال‌الدین اسدآبادی و دیگران زمینه‌های مشروطه خواهی را فراهم آورد. سخنرانیهای سیدجمال واعظ و ملک المتکلمین توده مردم مذهبی را با اندیشه آزادی و مشروطه آشنا می‌کرد. نشریاتی مانند حبل‌المتین و چهره‌نما و حکمت و کمی بعد ملانصرالدین که همه در خارج از ایران منتشر می‌شدند نیز در گسترش آزادی خواهی و مخالفت با استبداد نقش مهمی داشتند.

کشته شدن ناصرالدین شاه به دست میرزا رضای کرمانی که آشکارا انگیزه خود را قطع ریشه ظلم و نتیجه تعلیمات سیدجمال‌الدین دانسته بود، کوشش بیشتر در روند مشروطه خواهی را سبب شد.

خواسته‌ها



تصویر موسیو نوز بلژیکی با لباس عربی

اگر چه از مدتی قبل شورش‌ها و اعتراضاتی در شهرهای ایران علیه مظالم حکومت رخ داده بود اما شروع جنبش را معمولاً از ماجرای گران شدن قند در تهران ذکر می‌کنند. علاءالدوله حاکم تهران هفده نفر از بازرگانان و دونفر سید را به جرم گران کردن قند به چوب بست. این کار که با تأیید عین الدوله صدراعظم مستبد انجام شد اعتراض بازاریان و روحانیان و روشنفکران را برانگیخت. اینان در مجالس و در مسجدها به سخنرانی ضد استبداد و هواداری از مشروطه و تأسیس عدالتخانه یا دیوان مظالم پرداختند. خواست برکناری عین الدوله و عزل موسیو نوز بلژیکی و حاکم تهران و حتی عسگر گاریچی به میان آمد و اعتصاب در تهران فراگیر شد. عده‌ای از مردم و روحانیان به صورت اعتراض به حضرت عبدالعظیم رفتند. مظفرالدین شاه وعده برکناری صدراعظم و تشکیل عدالتخانه را داد. هنگامی که به وعده خود عمل نکرد علما از جمله سیدین سندین آقا سید محمد طباطبائی و آقا سیدعبدالله بهبهانی به قم رفتند و تهدید کردند که کشور را ترک می‌کنند و به عتبات عالیات خواهند رفت. عده‌ای هم در سفارت انگلیس متحصن شدند.

عین الدوله با گسترش ناآرامیها در شهرهای دیگر استعفا کرد و میرزا نصرالله خان مشیرالدوله صدراعظم شد.^[۸]

فرمان مشروطیت

بالاخره مظفردالدین شاه فرمان مشروطیت را در ۱۴ مرداد ۱۲۸۵ امضا کرد. علما و دیگرانی که به حضرت عبدالعظیم و قم رفته بودند بازگشتند و تحصن در سفارت انگلیس پایان یافت. مردم صدور فرمان مشروطیت را جشن گرفتند.

و...

مجلس اول



تصویری از نمایندگان دوره اول

مجلس اول در ۱۸ شعبان ۱۳۲۴ (۱۴ مهر ۷/۱۲۸۵ اکتبر ۱۹۰۶) در تهران گشایش یافت. نمایندگان به تدوین قانون اساسی پرداختند و در آخرین روزهای زندگی مظفردالدینشاه این قانون نیز به امضای او رسید.

محمد علی شاه

پس از مرگ مظفردالدین شاه، ولیعهد او محمدعلی میرزا شاه شد و از همان ابتدا به مخالفت با مشروطه و مجلس پرداخت. او در مراسم تاجگذاری خود نمایندگان مجلس را دعوت نکرد.

به علاوه اگرچه نمایندگان دوره اول مجلس که با حرارتی تمام جهت اصلاح اوضاع ایران می‌کوشیدند، با راندن مسیو نوز رئیس کل گمرک و وزیر خزانه از خدمت در مقابل سیاست روسیه که از او جداً حمایت می‌کرد، غالب آمدند؛ اما روس‌ها شاه تازہ را در دشمنی با مجلس و مشروطه روز به روز بیش تر تقویت نمودند تا آن جا که محمدعلی شاه، مشیرالدوله را از صدارت برکنار کرد و امین السلطان (اتابک اعظم) را که سالها صدراعظم دوره استبداد بود از اروپا به ایران فراخواند و او را صدراعظم کرد. از امضای قانون اساسی سر باز زد. پس از اعتراضات مردم به ویژه در تبریز، ناچار دستخطی صادر کرد و قول همراهی با مشروطه را داد. ولی هم شاه و هم اتابک اعظم همچنان به مخالفت با مشروطه و مشروطه خواهان مشغول بودند. اتابک اعظم را جوانی به نام عباس آقا تبریزی با تیر زد و کشت.

نشریه هفتگی صوراسرافیل در این دوران منتشر می‌شد و نقش مهمی در تشویق مردم به آزادیخواهی و مقابله با شاه و درباریان طرفدارش داشت.

با توجه به ناقص بودن قانون اساسی مشروطه که با عجله تهیه شده بود مجلس متمدن قانون اساسی را تصویب کرد که در آن مفصلاً حقوق مردم و تفکیک قوا و اصول مشروطیت آمده بود. محمدعلی شاه به مجلس رفت و سوگند وفاداری یاد کرد. پس از چند روز او و دیگر مستبدان با همراهی شیخ فضل الله نوری^[نیازمند منبع] عده‌ای را علیه مجلس در اطراف آن جمع کردند و به درگیری با نمایندگان و مدافعان مجلس پرداختند. با بمبی که یاران حیدرخان عمواوغلی به کالسکه حامل محمدعلیشاه انداختند به مقابله جدی با مجلس پرداخت و به باغشاه رفت و بریگاد قزاق را برای مقابله با مجلس آماده کرد.

به توپ بستن مجلس

بالاخره با فرستادن کلنل لیاخوف فرمانده بریگاد قزاق حمله به مجلس را آغاز کرد. لیاخوف با نیروهایش مجلس را محاصره کردند و ساختمان مجلس و مدرسه سپهسالار را در ۲۳ جمادی الاول ۱۳۲۶ (۲ تیر ۲۳/۱۲۸۷ ژوئن ۱۹۰۸) به توپ بستند. عده زیادی از مدافعان مجلس در این حمله کشته شدند. محمدعلی شاه لیاخوف را به حکومت نظامی منصوب کرد. و به تعقیب نمایندگان و دیگر آزادیخواهان پرداخت. ملک المتکلمین و میرزا جهانگیرخان و قاضی ارداقی را در باغشاه پس از شکنجه در برابر محمدعلی شاه کشتند.

شکست در تهران

پس از حمله به مجلس و دستگیری و اعدام آزادیخواهان، جنبش مشروطه خواهی با شکست روبرو شده بود. بسیاری از مشروطه خواهان مخفی شدند و برخی به خارج از ایران رفتند.

قیام در تبریز



مشروطه طلبان تبریز، در عکس ستارخان و باقر خان نیز دیده می‌شوند



نقشه تبریز در قیام مشروطه

پس از حمله به مجلس و پخش خبر آن، در شهرهای دیگر ایران شورشهایی برخاست. مردم تبریز و بختیاری با شنیدن خبرهای تهران به هواداری از مشروطه و مخالفت با محمدعلی شاه برخاستند. شاه نیروهای دولتی را برای سرکوب به آنجا فرستاد. علی مسیو، ستارخان، باقرخان و حیدرخان عمواغلی در تبریز به بسیج مردم و سازماندهی نیروی مسلح (مجاهدین مشروطه) برای مقابله نیروهای دولتی دست زدند. گروهی از ایرانیان قفقاز نیز به مردم تبریز پیوستند و به مجاهدان قفقاز معروف شدند. علی مسیو از یاران حیدرخان عمواغلی و یارانش هم دستۀ مجاهدان تبریز را تشکیل دادند. محمدعلیشاه از تزار روسیه نیکلای دوم درخواست کمک کرد و تبریز به محاصره نیروهای روس و نیروهای دولتی درآمد. امپریالیستهای روس و انگلیس دست به

مداخلات مسلحانه زدند و ارتش به ایران آوردند. انگلیسیها عده‌ای در جنوب پیاده کرده، انجمن بوشهر را منحل و اعضای آن را دستگیر کردند. سپس بندرعباس و لنگه و بنادر دیگر خلیج فارس را نیز تصرف کردند و ژنرال کنسول انگلیس در بوشهر قدرت را در دست گرفت. در آذربایجان، در پی بسته شدن راه تبریز - جلفا، و محاصره کامل شهر از طرف قوای شاه، گرسنگی و قحطی هولناکی بر مردم روی آورد و کار بر آزادیخواهان سخت شد. در اوایل ربیع الثانی سال ۱۳۲۷ ه.ق. (اردیبهشت ۱۲۸۸ ه.خ.) دولتین روس و انگلیس موافقت کردند که قشون روس به بهانه شکستن خط محاصره و حمایت از اتباع بیگانه، و رساندن خواربار به آنان وارد تبریز شود. انجمن تبریز ناچار حاضر شد که از تمام خواسته‌های مردم دست کشیده «دست توسل به دامان نامهربان بزند»، ولی کار از کار گذشته بود و سپاه روس از مرز گذشته بود. با ورود سپاهیان روس محاصره تبریز شکست و نیروهای شاه دسته‌های ارتجاعی از شهر دور شدند. اما خاتمه کار تبریز به معنی پیروزی ارتجاع نبود و کوشش آزادیخواهان ایران همچنان ادامه داشت.

قیام گیلان

در این اوقات کمیته "ستار" در گیلان تشکیل شده بود. پیرم خان ارمنی با مشروطه خواهان هم پیمان شد و جوانان ارمنی را برای نهضت بسیج کرد. در همین هنگام محمدولی خان تنکابنی از تبریز بازگشته بود. کمیته ستار با او مذاکره کرد و او را راضی کرد با نیروهایش برای پیروزی جنبش مشروطه به مبارزه برخیزد. در روز ۱۹ بهمن ۱۲۸۷ انقلابیون به کمک محمدولی خان تنکابنی و پیرم خان ارمنی حاکم رشت آقا بالاخان را کشتند و شهر را تسخیر کردند. پس از آن تمام گیلان به تصرف آزادی

خواهان در آمد. به موجب این پیروزی آنها رونوشتی به سفرای خارجی نوشتند که نزاعی با شاه ندارند و فقط در صدد احیای مشروطه‌اند. صدای انقلاب رشت به گوش شهرهای دیگر ایران و کشورهای آزاد جهان رسید و باعث دلگرمی مجاهدان تبریز شد. ستارخان و باقرخان تلگرافهای مهیجی ارسال کردند و متحصنین سفارتهای عثمانی و انگلیس به جشن پرداختند.

پس از این شاه قشونی برای تصرف گیلان فرستاد. قشون او در قزوین اردو زدند و پس از رسیدن نیروهای بیشتر به سمت شمال حرکت کردند ولی در ۳۰ کیلومتری رشت خبر رسید نیروهای دولتی رشیدالملک در حاشیه دریا از مجاهدان شکست خورده‌اند و این خبر باعث دلسردی آنها شد و آنها به قزوین عقب نشینی کردند.

در سوی دیگر ایران، شهر اصفهان در نیمه دیماه به تصرف ایل بختیاری و مشروطه خواهان در آمد. بعد از آن تعدادی از آزادی خواهان تهران به اصفهان رفتند و با سردار اسعد که به تازگی از پاریس بازگشته بود مذاکره کردند و اطمینان دادند قاطبه مردم تهران طرفدار مشروطه‌اند.

قیام بختیاریها



پوستر فتح تهران به دست مجاهدین بختیاری

در حالی که در تبریز مجاهدین در محاصره قوای دولتی و همدستان خارجی آن بودند، در اصفهان اعتراضات به بست نشینی عده‌ای انجامید و قوای بختیاری که در آن هنگام توسط حاکم اصفهان و بختیاری‌ها صمصام السلطنه رهبری می‌شد برای نجات جنبش مشروطه بسیج شده و از تمامی مناطق بختیاری نشین به سوی اصفهان حرکت کردند. با پیوستن قوای بختیاری کار بالا گرفت. نجف قلی خان صمصام السلطنه ایلیخان بختیاری با نیروی مسلح زیادی به اصفهان وارد شد. برادر او علیقلی خان سردار اسعد نیز کا تا آن هنگام در فرانسه مشغول تحصیل بود و در پاریس با تعدادی از مشروطه خواهان ارتباط تنگاتنگی داشت و خود نیز از مشروطه خواهان بود اصفهان آمد. مجاهدین بختیاری با حرکت به سوی تهران و با همراهی مجاهدین شمال به فرماندهی سپهدار اعظم که در نزدیکی تهران بهم پیوستند، پس از شکست مقاومت نیروهای استبداد صغیر موفق به فتح تهران و شکست استبداد صغیر شدند.

نقش زنان در جنبش مشروطه

در فتح تهران یکی از زنان روشنفکر خاندان ایلیخانی بختیاری به نام سردار بی بی مریم بختیاری با رشادت و دلیری به مبارزه با عمال استبداد برخاست. سردار مریم بختیاری قبل از فتح تهران مخفیانه با عده‌ای سوار وارد تهران شده و در خانه پدری حسین ثقفی منزل کرد و به مجرد حمله‌ای سردار اسعد به تهران، پشت بام خانه را که مشرف به میدان بهارستان بود سنگربندی نمود و با عده‌ای سوار بختیاری، از پشت سر با قزاق‌ها

مشغول جنگ شد. او حتی خود شخصا تفنگ به دست گرفت و با قزاقان جنگید. نقش او در فتح تهران، میزان محبوبیتش را در ایل افزایش داد و طرفداران بسیاری یافت. بعدها بدریافت مدال شجاعت دولت آلمان به لقب سرداری مفتخر شد.

فتح تهران

در تهران هم دوباره کوششها بالا گرفت. بالاخره نیروهای گیلان به فرماندهی سپهدار اعظم از شمال و نیروهای بختیاری به فرماندهی علیقلی خان سردار اسعد بختیاری از جنوب به سمت تهران آمدند و در نزدیکی تهران به هم پیوستند.

در پیشروی به سوی پایتخت، نخستین قدم را بختیارها به فرماندهی سردار اسعد بختیاری (فاتح ملی) و سپس اردوی شمال به فرماندهی سپهدار اعظم برداشتند که انقلابیون قفقاز هم در صفوف آن بودند. اردوی شمال و جنوب در بیست و چهار کیلومتری تهران به هم ملحق شدند. در این موقع نیروی روس، از انزلی وارد شده بود، به قزوین رسیده بود و اردوی انقلابی را از پشت سر تهدید می‌کرد.

نیروهای مجاهدین گیلان و بختیاری در ۱ رجب ۱۳۲۷ (۲۸ تیر ۱۹/۱۲۸۸ ژوئیه ۱۹۰۹) وارد تهران شدند و شاه و اطرافیانش به سفارت روس پناه بردند. انقلابیون مجلس عالی تشکیل دادند و محمدعلی شاه را از سلطنت خلع کردند و ولیعهد او احمد میرزا را به تخت نشاندند، به جای وی به سلطنت ایران و علیرضاخان عضدالملک رئیس ایل قاجار به نیابت سلطنت او برگزیده شد. بار دیگر مجلس شورای ملی تشکیل شد و ظاهراً دوره استبداد به پایان آمد و مشروطه خواهان پیروز شدند.

مجلس دوم

مشروطه و قانون بار دیگر در کشور ایران استقرار یافت، اما پیش از آنکه به ثمر برسد کسانی به نام رجال رشته امور را از دست آزادیخواهان در ربودند و قانون و آزادی را در گهواره خفه کردند و وقتی فدائیان و جانبازان واقعی آزادی به مطلب پی بردند که بسیار دیر شده بود.

مجلس دوم در ۲ ذی‌قعدة سال ۱۳۲۷ ه.ق. (۲۵ آبان ۱۲۸۸) یک سال پس از بسته شدن مجلس اول، با حضور شاه جوان گشایش یافت. در هنگام گشایش مجلس نگرانی از توقف سپاهیان روس در کشور و اینکه وعده صریح داده‌اند که هر چه زودتر به این تشویش و نگرانی پایان دهند، در بیانات رسمی دولت انعکاس یافت، ولی این نیروها همچنان باقی ماندند و هر روز فساد تازه‌ای بر پا کردند. مجلس که اکثر اعضای آن اشراف و خوانین بودند، در تمام دوره تشکیل خود کاری انجام نداد. انقلاب مشروطیت ایران، اگر چه ضربت سنگین خود را بر پیکر استبداد وارد کرد و مجلس و قانون را در کشور برقرار ساخت، ولی از فنودالیسم و امپریالیسم شکست خورد.

دولت مستوفی الممالک، که پس از سپهدار به روی کار آمده بود، در شعبان ۱۳۲۸ ه.ق. (مرداد ۱۲۸۹ ه.خ) به دستگیری قوای بختیاری و پیرم‌خان، یکی از افراد حزب داشناک که ریاست پلیس را داشت، آخرین دسته فدائیان را خلع سلاح کرد و از رئیس جمهور آمریکا، خواست که کسی را برای مرمت خرابیهای مالیه به ایران گسیل دارد. مورگان شوستر، که مرد کاردانی بود، در جمادی الاول سال ۱۳۲۹ ه.ق. (اردیبهشت ۱۲۹۰) با هیئت

مستشاران مالی آمریکایی وارد ایران شد و با تحصیل اختیارات فوق العاده به کار پرداخت.



سردر ساختمان مجلس شورای ملی، میدان بهارستان، تهران

تحریکات همچنان ادامه داشت. روسها محمد علی شاه مخلوع را دوباره به ایران برگرداندند تا مجلس را از کار و کوشش بازداشته و سازمان شوستر را براندازند. شاه مخلوع در ماه رجب ناگهان در گمش تپه (پهلوی دژ کنونی) پای به خشکی نهاد و با دسته‌ای از ترکمانان به تهران حمله کرد. اما چون ملت و مجلس و سران آزادی هم‌آواز بودند، این همه تشبثات نقش بر آب شد و در پائیز سال ۱۳۲۹ هـ.ق. (۱۲۹۰ هـ.خ.) نیروی محمد علی میرزا درهم شکست و او باز به روسیه گریخت.

در خلال زد و خورد ملیون با اردوی محمد علی شاه و در هنگامی که به نظر می‌رسید کار او یکسره شده و چاره‌ای جز فرار ندارد، روس و انگلیس یکباره پرده از مقاصد نهانی خود برداشته و انگلستان واحدهای هندی را برای تصرف نقاط مهم جنوبی ایران در بندر بوشهر پیاده کرد و حتی حکم تصرف اصفهان (در منطقه روسی) و شیراز و بوشهر (در منطقه بیطرف) را به این واحدها داد. روسیه نیز سپاهیان دیگری به ایران

آورد و به بهانه عجیب حمایت از املاک شعاع السلطنه نیروی خود را از رشت تا قزوین پیش آورد.

اولتیماتوم روسیه تزاری

روسیه تزاری با مشورت انگلستان روز چهارشنبه ۷ ذیحجه سال ۱۳۲۹ ه.ق. (۷ آذر ۱۲۹۰ ه.خ.) اولتیماتوم سختی به دولت ایران تسلیم کرد و به موجب آن از دولت ایران خواست که مورگان شوستر و همراهان هر چه زودتر ایران را ترک کنند؛ و دولت متعهد شود که در آینده برای استخدام مستشاران خارجی رضایت قبلی دولتین روس و انگلیس را جلب کند و نیز مخارج لشکر کشی روس را به ایران عهده‌دار گردد. توسل ایران به انگلستان سودی نداشت و دولت مذکور، ضمن نامه‌ای به وثوق الدوله وزیر خارجه ایران، توصیه کرد فوراً تقاضای روسها را بپذیرد. اما مجلس ایران اولتیماتوم را به اکثریت قریب به اتفاق رد کرد و مردم در تبریز و گیلان به ایستادگی خود افزودند. روسها نیروی جدیدی به ایران آوردند و در تبریز و رشت و مشهد و شهرهای دیگر کشت و کشتار به راه انداختند. عاقبت در سال ۱۳۳۰ ه.ق. (۱۲۹۰ ه.خ.) دولت ایران اولتیماتوم را پذیرفت و ناصرالملک در مجلس را بست و سازمانهای ملی را با اعلان حکومت نظامی ممنوع کرد و به دست او و حسن وثوق الدوله ریشه آزادی کننده و هرگونه فریاد اعتراض نسبت به بیگانگان در امور کشور و سیاست ارتجاعی دولت در گلوی مردم شکسته شد. روز دهم محرم سال ۱۳۳۰ ه.ق. (۱۰ دی ۱۲۹۰) روسها جمعی از بزرگان و پیشروان و در آن میان ثقة‌الاسلام، را در تبریز به دار کشیدند. کشتار تبریز ماهها ادامه یافت. روسها صمدخان شجاع الدوله حاکم مراغه، را به حکمرانی آذربایجان

گماردند و به دست او از هیچ گونه شقاوت و وحشیگری دربارهٔ مردم آذربایجان فروگذار نکردند.

بدین قرار آن جوش و خروش هفت‌سالهٔ جنبش مشروطهٔ ایران خاموش گشت و اندیشه‌ها پست و کوتاه شد. مردان نیکوکار و غمخوار به کنار رفتند و گروهی از سررشته‌داران خودخواه و کهنه‌کار، که هر چه گفتند و کردند به سود بیگانگان و زیان ایران بود، قدرت و اختیار در دست گرفتند و حتی پس از پیش آمدن جنگ جهانی اول و رفع فشار اجانب باز در جلد آزادیخواهی و میهندوستی بر سر کار ماندند و اعمال خود را ادامه دادند.

بعد از برانداختن مجلس و اخراج شوستر دخالت بیگانگان در امور داخلی ایران به حد اعلی رسید. روسها امتیاز راه‌آهن تبریز - جلفا و انگلیسیها امتیاز راه آهن محمره (خرمشهر) - خرم‌آباد را گرفتند و دولت ایران را وادار کردند که سیاست خود را با قرارداد ۱۹۰۷، که هیچیک از دولتها آن را به رسمیت نشناخته بودند، هماهنگ سازد. روسها در قزوین و تبریز از مردم مالیات می‌گرفتند و مانع حرکت نمایندگان آذربایجان به تهران می‌شدند و انگلیسیها در ازای وام مختصری که به ایران پرداخته بودند، گمرک بوشهر را تصرف کرده بودند. ناصرالملک، نایب‌السلطنه، بار سنگین سلطنت را بر دوش ناتوان احمدشاه جوان گذارده، رهسپار اروپا شده بود. احمد شاه آخرین پادشاه دودمان قاجار در سال ۱۳۳۲ ق. (۱۲۹۳ هـ.خ.) تاجگذاری کرد. چند ماه از تاجگذاری وی نگذشته بود که جنگ جهانی اول، که از مدتها پیش زمینه آن فراهم می‌گردید، درگیر شد. این جنگ که آن همه بدبختی و سیه‌روزگاری برای دنیا و ایران داشت، به مردم ایران در جنگ

جهانی اول که از مظالم همسایگان به تنگ آمده بودند، نجات داد و شکست روسیه^۱ تزاری در جنگ و انقلاب اکتبر ۱۹۱۷، ایران را که در نتیجه^۲ قرارداد ۱۹۰۷ تجزیه شده بود، از چنگ استعمار رهایی بخشید.

جنبش مشروطه را به سه دوره بخش کرده‌اند:

- مشروطه^۱ اول از ۱۹۰۶/۱۲۸۵ تا ۱۹۰۷/۱۲۸۶ و گلوله‌باران مجلس؛
- مشروطه^۲ دوم از ۱۹۰۹/۱۲۸۸ تا ۱۹۲۱/۱۲۹۹ و کودتای سوم اسفند؛
- مشروطه^۳ سوم از ۱۹۴۱/۱۳۲۰ تا ۱۹۵۳/۱۳۳۲ و سرنگونی مصدق.

انقلاب

انقلاب در لغت به معنی زیر و رو شدن یا پشت و رو شدن است، فلاسفه انقلاب را این گونه بیان می نمایند که ذات و ماهیت یک شیئی لزوماً عوض شده باشد و در نگاه جامعه شناسان انقلاب به معنای دگر شدن است حتی نباید بگوییم دگرگون شده زیرا دگرگون شدن یعنی اینکه گونه و کیفیتش جور دیگر شود. به عوض باید بگوییم دگر شدن یعنی تبدیل شدن به موجودی دیگر. انقلاب در ایران دگر شدن جامعه ایرانی بود با یاری گرفتن از آموزه های اسلام ناب محمدی که زمینه ساز جامعه توحیدی می باشد.

انقلاب اسلامی ایران بی شک پدیده‌ای نوظهور در قرن حاضر می باشد. انقلابی غایت‌گرا، آرمان‌گرا، اسلام‌گرا و عالم‌گیر و جهان‌شمول و بی‌نظیر در جهان اسلام که به رهبری امام خمینی (ره) هدایت گردید و تحولی شگرف در عرصه روابط بین‌الملل و در معادلات سیاسی دولتهای جهان پدید آورد. این رهبر تاریخ ساز انقلابی را بنیان نهاد که بسان تیغی دو لبه همزمان علیه کمونیسم و کاپیتالیسم به کار گرفته شد. ایشان با هدف مقابله با سلطه ابرقدرتهای شرق و غرب، ملل اسلامی را به رویکردی مجدد به ارزشهای اسلامی فرا خواندند و با قائل شدن رابطه‌ای مستقیم میان انقلاب و ایدئولوژی، انقلاب را شرطی لازم و ضروری برای تحقق آرمانهای الهی و وسیله‌ای برای نیل به مقاصد مکتبی و ایصال جامعه بشری به تعالی انسانی تلقی کردند، که در این راه در پیاده کردن نظریه خویش اهتمام نمودند. در این رهگذر، ایشان علاوه بر اهتمام به حاکمیت آرمانها و ارزشهای مذهبی، از هیچ کوششی برای تحقق جنبه‌های آزادیخواهانه و استقلال طلبانه

نهضت فروگذار ننمودند و بدین ترتیب انقلاب به عنوان وسیله‌ای برای تحقق جمهوری اسلامی مطمح نظر ایشان قرار گرفت.

امام خمینی و انقلاب اسلامی

با وقوع انقلاب اسلامی ایران برای اولین بار یک کشور مسلمان به طور موفقیت آمیزی قدرت‌های بزرگ غربی را به مبارزه طلبید، آنان را تحقیر کرد و به منافع مادیشان خسارت وارد کرد. و چون صاعقه‌های عظیم آسمان جهل و غفلت و عناد را شکافید و خواب خوش تحلیل‌گران و نظریه پردازانی که افول ادیان الهی را امری محتوم، پیش بینی می‌کردند آشفته کرد و انبوه نظریات آنها را از اعتبار ساقط نمود .

از نظر سمبولیک، انقلاب ایران نخستین پیروزی مسلمین بر غرب، از قرن ۱۶ به این طرف محسوب می‌شود، نکته این جاست که اسلام عامل هدایت کننده این انقلاب بوده و هیچ یک از اسم‌های غربی، ناسیونالیسم، کاپیتالیسم، کمونیسم و سوسیالیسم در آن نقشی نداشتند .

قدرت‌های بزرگ غربی در مواجهه با عظمت‌های بی بدیلی که امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی آفریده بود با پتانسیل نهفته و قدرت اسلام آشنا گردید .

انقلاب اسلامی ایران از آنجا که بر اساس افکار بلند و اندیشه متعالی حضرت امام خمینی (ره) تکوین یافته است، همواره در عوامل پیدایش و طرح شعارهای محوری و تعیین اهداف

و آرمان‌های بلند و راهکارهای وصول به آن، با باورها و اعتقادهای آرمان‌های این شخصیت ملکوتی، پیوندی ناگسستنی داشته است.



انقلاب ایران (۱۳۵۷)

انقلاب سال ۱۳۵۷ خورشیدی در ایران، (مشهور به انقلاب اسلامی) که با مشارکت اکثریت مردم، احزاب، روشنفکران و دانشجویان ایران انجام پذیرفت، نظام پادشاهی ایران را سرنگون، و زمینه روی کار آمدن نظام جمهوری اسلامی، به رهبری روح‌الله خمینی، یک روحانی شیعه، در ایران را فراهم کرد. تفکرات و شخصیت‌های اسلامی، در این انقلاب حضور برجسته‌ای داشتند و خمینی آنرا انقلاب اسلامی خواند.^[۱] این انقلاب، با نام انقلاب بهمن ۵۷ نیز شناخته می‌شود.

رویدادهای مهمی، به عنوان نقطه عطف یا سرآغاز اعتراضات همه‌گیر در سالهای ۱۳۵۶ و ۱۳۵۷ محسوب میشوند از جمله برهم‌زدن جلسات شعرخوانی آرام با مضمون سیاسی به سازماندهی کانون نویسندگان در انجمن فرهنگی ایران و آلمان و در دانشگاه آریامهر در آبان ماه سال ۱۳۵۶ توسط پلیس حکومتی که بروز تظاهرات و خشونت‌های بسیار در دانشگاه‌های تهران را به همراه داشت.^[۲] و همچنین چاپ مقاله‌ای در روزنامه اطلاعات در دی ماه همان سال که در نظر قشر مذهبی مقاله‌ای توهین‌آمیز به خمینی و روحانیون منتقد حکومت محسوب میشد و موجب ناآرامیهای خشونت‌آمیزی در شهر قم گشت.^{[۳][۴][۵]} رکود اقتصادی، وقوع اعتصابات گسترده‌ای را از خرداد ماه سال ۱۳۵۷ به بعد در سطح کشور به دنبال داشت که موجب پیوستن طبقه کارگر به تظاهرات شد و دامنه اعتراض‌ها را از ده‌ها هزار نفر به صدها هزار و حتی میلیون‌ها تن افزایش داد.^[۶] کشته‌شدن تعداد بسیاری از معترضان (از جمله در واقعه جمعه سیاه در شهریورماه) توسط نیروهای حکومتی تنها بر دامنه اعتراضات و ناآرامیها افزود^[۷] و با خروج شاه از

کشور و عدم موفقیت دولت شاپور بختیار، سرانجام با اعلام بیطرفی ارتش در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ انقلاب به پیروزی رسید.

در فروردین ماه ۱۳۵۸، زمانی که ایرانیان با اکثریتی قاطع (۹۸,۲٪) در قالب یک همه‌پرسی ملی، نظام مشروطه سلطنتی را نفی و با نوع حکومت جمهوری اسلامی (به عنوان نظام حکومتی آینده) موافقت کردند، پادشاهی ایران، رسماً به جمهوری اسلامی ایران تبدیل شد و سپس حکومتی دینی برپایهٔ تفسیر خاصی از شیعه به نام ولی فقیه جایگزین نظام پیشین گردید.

پیشینه و علل

نوشتارهای اصلی: نهضت مشروطه، کودتای ۲۸ مرداد، و قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲

انقلاب ۱۳۵۷ ایران بعد از تجربه نهضت مشروطه و کودتای ۲۸ مرداد و به دنبال حوادث ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ به وقوع پیوست.



کودتای ۲۸ مرداد و تانک سواری مخالفان محمد مصدق

بریتانیا پس از کوتاه شدن دست خود از صنعت نفت ایران، منابع بسیاری را در منطقه و خصوصاً ایران از دست داده بود، با قطع امید از رسیدن به توافق، وارد مطالعه طرح یک کودتای نظامی شد.

از مهم‌ترین حرکت‌های سیاسی و دانشجویی در تاریخ ایران، اعتراض دانشجویان در ۱۶ آذر ۱۳۳۲ به ورود معاون رئیس‌جمهور آمریکا، ریچارد نیکسون، به خاک ایران پس از کودتای ۲۸ مرداد بود. دانشجویان دانشکده‌های فنی، حقوق و علوم سیاسی، علوم، دندانپزشکی، پزشکی و داروسازی در دانشکده‌های خود تظاهراتی علیه رژیم کودتا برپا کردند. روز ۱۵ آذر تظاهرات به خارج از دانشگاه کشیده شد و مأموران در زد و خورد با دانشجویان، شماری را مجروح و گروهی را دستگیر و زندانی کردند. این درگیری‌ها منجر به مرگ سه تن از دانشجویان به دست مأموران حکومت پهلوی شد.

حمله به مدرسه فیضیه قم در روز ۲ فروردین ۱۳۴۲ شمسی مطابق با روز درگذشت جعفر صادق (از امامان شیعه) روی داد. پس از این که نظام سلطنتی پهلوی لایحه‌ی انجمن‌های ایالتی و ولایتی و نیز لوایح شش‌گانه و انقلاب سفید (شاه و ملت) را مطرح کرد، برخی روحانیون و در رأس آن‌ها آیت‌الله خمینی نسبت به برخی موارد آن هم‌چون حقّ رای دادن زنان که شاه به زنان ایرانی اعطا کرده بود، اعتراض کردند. سید روح‌الله خمینی نوروز سال ۴۲ را عزای عمومی اعلام کرد.

در سحرگاه ۱۵ خرداد ۱۳۴۲، ماموران امنیتی به خانه آیت‌الله خمینی در قم حمله کردند و او را که روز پیش از آن در روز عاشورا در مدرسه فیضیه قم، سخنانی بر ضد حکومت گفته بود، دستگیر و به زندانی در تهران منتقل کردند. چند ساعت بعد از حادثه گروهی از طرفداران وی در قم به خیابان‌های تهران و قم ریختند و دست به تظاهرات زدند. در این روز تعدادی از تظاهرکنندگان کشته شدند. در تاریخ ۴ آبان ۱۳۴۳ خمینی بر ضد تصویب لایحه کاپیتولاسیون در مجلس شورای ملی در شهر قم به سخنرانی پرداخت، وی در این سخنرانی سعی کرد ضمن تبیین نظرات خود در مورد لایحه مذکور خطر آن برای مردم و استقلال و تمامیت ارضی کشور را گوشزد کند. در طی این سخنرانی وی بارها به آمریکا و شخص شاه حمله لفظی کرد. در پی سخنرانی آیت‌الله خمینی در روز ۴ آبان بر ضد تصویب لایحه کاپیتولاسیون، حکومت وقت تصمیم به تبعید وی به ترکیه گرفت، در روز ۱۳ آبان همان سال ماموران ساواک (سازمان امنیت و اطلاعات کشور) آیت‌الله خمینی را در قم دستگیر و با هواپیمای نظامی به ترکیه تبعید کردند.

جشن‌های ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی ایران در تخت جمشید و با حضور سران و سفرای بسیار از کشورها در ۲۰ مهر ۱۳۵۰ آغاز شد.

در ۱۱ اسفند ۱۳۵۳ محمدرضا پهلوی دستور تشکیل حزب سراسری و واحد رستاخیز را اعلام کرد، این نخستین بار در تاریخ نوین سیاسی ایران بود که این کشور به روش تک‌حزبی اداره می‌شد. در آخرین روزهای سال ۱۳۵۴ دو مجلس سنا و ملی طرح تغییر تاریخ هجری به شاهنشاهی را مطرح و تصویب کردند، این امر ظاهراً در راستای

سکولاریزه کردن حکومت برداشته می شد؛ ولی عملاً آتش خشم مخالفین را برافروخت و مخالفت‌هایی را نیز برانگیخت.

وقایع سال ۱۳۵۶ خورشیدی

در اول آبان سال ۱۳۵۶ فرزند خمینی (مصطفی خمینی) به شکل مشکوک و غیر منتظره‌ای درگذشت که منجر به برگزاری جلسات سوگواری معترضانه در قم، تهران، یزد، مشهد، شیراز و تبریز شد و مرگ او به‌طور گسترده‌ای به ساواک نسبت داده شد.

تا اواخر آبان ۱۳۵۶ مخالفان حکومت، به فعالیتهای محصور به پشت درهای بسته، نوشتن بیانیه، تشکیل گروه‌های جدید، احیای گروه‌های قدیم، صدور نامه و انتشار نشریات اقدام میکردند، اما پس از آن تاریخ، مرحله جدیدی در روند انقلاب رخ داد و فعالیت مخالفان به صورت تظاهرات خیابانی خود را نشان داد. نقطه عطف در ۲۵ آبان رخ داد که پس از نه شب جلسات شعرخوانی آرام با مضمون سیاسی که توسط کانون نویسندگان در انجمن فرهنگی ایران و آلمان و در دانشگاه آریامهر در آبان ماه سال ۱۳۵۶ تشکیل شده بود، پلیس برای برهم زدن جلسه دهم و متفرق کردن حدود ده هزار دانشجوی شنونده در آن، اقدام کرد که تظاهرات خشمگینانه دانشجویان و سرانیز شدن آنان در خیابانها با دادن شعارهای ضد حکومتی را به دنبال داشت. در این درگیری یک دانشجو کشته، هفتاد تن مجروح و یکصد تن بازداشت شدند. در ده روز پس از آن تظاهرات‌های دانشجویی افزایش یافت و دانشگاه‌های اصلی تهران در اعتراض به درگیری ۲۵ آبان تعطیل شدند. در طول یک هفته بعد، دانشگاه‌های بزرگ کشور به یادبود ۱۶ آذر (روز غیر رسمی دانشجو) دست به اعتصاب زدند. تظاهر کنندگان دستگیر شده در ناآرامیهای

پیشین، پس از محاکمه‌های کوتاهی در دادگاه‌های مدنی تبرئه شدند و اینگونه محاکمات به روشنی نشان داد که ساواک دیگر توان استفاده از دادگاه‌های نظامی را برای سرکوب مخالفان ندارد.^[۸]

در دی ماه همان سال اتفاق دیگری به تظاهرات خیابانی شدت بخشید. در تاریخ ۱۷ دی، روزنامه اطلاعات به قلم فردی با اسم مستعار احمدی رشیدی مطلق مقاله نیشداری برضد روحانیت مخالف نوشت و ضمن نامیدن آنان با عنوان «ارتجاع سیاه»، آنان را به همکاری پنهان با کمونیسم بین‌الملل برای محو دستاوردهای انقلاب سفید متهم ساخت. این مقاله همچنین خمینی را به بیگانه بودن و جاسوسی برای بریتانیا در دوران جوانی متهم کرد و همچنین او را بی بندوبار و نویسنده اشعار شهوت‌انگیز صوفیانه نامید. این مقاله شهر قم را به خشم آورد. حوزه‌های علمیه و بازار تعطیل و خواستار عذرخواهی علنی حکومت شدند. حدود ۴۰۰۰ نفر از طلاب و هواداران آنان در روز ۱۹ ماه دی در تظاهرات به دادن شعار پرداخته و با پلیس درگیر شدند. در این درگیریها بنا به اعلام حکومت دوتن و به گفته مخالفان هفتاد تن کشته و بیش از پانصد نفر زخمی شدند.^[۹] روز بعد خمینی خواستار تظاهرات بیشتر شد و به شهر قم و آنچه «روحانیت مترقی» نامید، به خاطر ایستادگی در برابر حکومت تبریک گفت و شاه را به همکاری با آمریکا برای نابودی ایران متهم کرد. شریعتمداری نیز در مصاحبه‌ای نادر با خبرنگاران خارجی، از حکومت گلایه کرد و رفتار پلیس و حکومت با روحانیون را توهین‌آمیز خواند. شریعتمداری همچنین به همراه ۸۸ تن از روحانیون، بازاریان و دیگر مخالفان از ملت خواست که چهل کشتار قم را با دست کشیدن از کار و حضور آرام در مساجد برگزار کنند.^[۱۰] بعدها در

جستجوی جرقه یا سرآغاز انقلاب ایران، روزنامه‌نگاران، چاپ مقاله اطلاعات و پیامدهای آن در قم را عنوان کردند.^[۱۱] و برخی چون حامد الگار و هنری مانسون کشته شدن مصطفی خمینی را شروع زنجیره اتفاقاتی میدانند که منجر به انقلاب ایران شد^[۱۲]؛ اما ارواند آبراهامیان تاریخ‌نگار معاصر بر این باور است که در واقع نقطه آغازین انقلاب پیچیده‌تر از این بوده و نخستین جرقه را میتوان به پیشتر از چاپ مقاله و وقایع پیامد آن و به جلسات شعرخوانی و ناآرامیهای دانشگاه آریامهر نسبت داد. در مجموع این دو حادثه، تجلی دو نیروی حاضر در جنبش انقلابی محسوب میشود که یکی طبقه متوسط حقوق بگیر و جایگاه اعتراض سیاسی آن یعنی دانشگاه‌های مدرن و دیگری طبقه متوسط متمدن و مراکز سازمانهای اجتماعی-سیاسی آن یعنی مدارس علوم دینی سنتی (حوزه‌های علمیه) و بازارهای سنتی بود.^[۱۳]

وقایع سال ۱۳۵۷ خورشیدی

در روزهای نهم و دهم فروردین مردم یزد طی اعتراضاتی که به خشونت کشیده شد خواستار آزادی زندانیان سیاسی و بازگشت رهبران انقلاب (در راس آنها سید روح‌الله خمینی) شدند. در پی اوج‌گیری تظاهرات و درگیریهای مردم با عوامل رژیم پهلوی، در تاریخ ۲۵ اردیبهشت دولت جمشید آموزگار به مأمورین نظامی و انتظامی در برابر آشوبها دستور شدت عمل داد.

به مناسبت سالگرد ۱۵ خرداد در تهران و شهرستانها تعطیل و اعتصاب سراسری اعلام گردید. و در ۲۱ مرداد همان سال درگیری خونین در اصفهان و اعلام حکومت نظامی در این شهر که توسط فرماندار نظامی شهر به اجرا درآمد. در بیست و پنجم مرداد ماه توسط دولت جمشید آموزگار، حکومت نظامی اعلام شد و در ۲۸ مرداد آتش سوزی در سینما رکس آبادان رخ داد.

در ۵ شهریور ماه دولت جمشید آموزگار سقوط کرده و دولت شریف امامی تشکیل شد. سرانجام در تاریخ ۱۷ شهریور ۱۳۵۷ که بعدها به جمعه سیاه مشهور شد، راهپیمایی و اعتراضات مردم در میدان ژاله (شهدای فعلی) تهران به خشونت کشیده شد و عده زیادی کشته و مجروح شدند. (مقاله مرتبط: حادثه ۱۷ شهریور)

در ۲ مهر منزل خمینی در عراق توسط پلیس این کشور محاصره گردید و یک روز پس از آن حزب رستاخیز که توسط حکومت پهلوی تأسیس شده بود منحل گردید. به دلیل افزایش فشارها در عراق خمینی در دهم مهر تصمیم به ترک این کشور و ورود به کویت گرفت، اما دولت کویت به وی مجوز ورود نداد. و در روز سیزدهم همان ماه در پی جلوگیری از ورود سید روح‌الله خمینی به کویت و جلوگیری دولت عراق از بازگشت وی به نجف، با تقاضای دولت وقت شاهنشاهی، خمینی به فرانسه تبعید شد. روح‌الله خمینی از پاریس به دهکده نوفل لوشاتو تغییر مکان داد.



خمینی در احاطهٔ خبرنگاران

در روز ۱۹ مهر اعتصاب کارکنان مطبوعات در سراسر کشور آغاز گردید و ده روز پس از آن کارکنان صنعت نفت اعتصاب نمودند.

آیت‌الله طالقانی در ۸ آبان (یکی از رهبران انقلاب) از زندان آزاد شد و دو روز بعد ارتش کنترل تأسیسات نفتی کشور را در دست گرفت. در ۱۳ آبان تظاهرات دانش‌آموزان و دانشجویان در مقابل دانشگاه تهران به خشونت کشیده شد.



روح‌الله خمینی رهبر انقلاب ایران در سال ۱۳۵۷

در ۲۳ دی به دستور آیت‌الله خمینی شورای انقلاب تشکیل گردید و در ۲۶ دی محمدرضا شاه پهلوی ظاهراً به منظور معالجات پزشکی کشور را ترک کرد و دیگر به ایران بازنگشت. بعدها این روز را در تقویم ایران به‌عنوان روز فرار شاه نامیدند^[۱۴]. وی در آخرین مصاحبه خود در خاک ایران (در فرودگاه مهرآباد) چنین گفت:

- محمد رضا پهلوی: یک مدتی است که احساس خستگی می‌کنم و احتیاج به استراحت، ضمناً هم گفته بودم تا خیالم راحت بشود و دولت مستقر بشود بعد مسافرت خواهم کرد.

- خبرنگار: اعلی حضرت چه مدت در مسافرت خواهند بود؟

- محمد رضا پهلوی: بستگی به حالت مزاجی من می‌توانم بگویم دارد.

- خبرنگار: نخستین نقطه‌ای که اعلی حضرت تشریف فرما می‌شوند کجا خواهد بود؟

- محمد رضا پهلوی: فکر می‌کنم به آسوان (مصر) برای استراحت برویم و اولین نقطه اقامت ما در آسوان خواهد بود.

حرفی غیر از حس وضعیت مملکت و انجام وظیفه براساس میهن پرستی ندارم.

در ۳ بهمن شورای سلطنت که برای حفظ نظام سلطنتی در ایران تشکیل شده بود منحل گردید و در فاصله دو روز پس از آن دولت بختیار به منظور جلوگیری از حضور خمینی در کشور به مدت سه روز فرودگاه‌های کشور را بسته اعلام کرد. اما در ۹ بهمن فرودگاه مهرآباد بازگشایی شد.

در تاریخ ۱۲ بهمن خمینی پس از پانزده سال تبعید وارد ایران شد و فرمانداری نظامی بر اثر فشار مردم راه‌پیمایی و تظاهرات را برای ۳ روز آزاد اعلام کرد. (مقاله مرتبط: بازگشت آیت‌الله خمینی به ایران)



آیت‌الله خمینی در فرودگاه مهرآباد از هواپیما پیاده می‌شود
نظامیان مستقر در تلویزیون به طور ناگهانی پخش مراسم استقبال را قطع کردند و
خمینی در بهشت زهرا حضور یافت و ضمن ادای احترام به شهدای انقلاب به سخنرانی
پرداخت.



مسیر تقریبی آیت‌الله خمینی از فرودگاه مهرآباد تا بهشت زهرا (قبرستان اصلی تهران)

در ۱۶ بهمن بختیار گفت: هر کس اکثریت داشت حکومت می‌کند. اما آیت‌الله طالقانی گفت: ما رهبران اسلامی داعیه حکومت نداریم. روز بعد بر اساس پیشنهاد شورای انقلاب، خمینی دولت موقت را به مردم معرفی نمودند و دولت موقت به ریاست مهندس مهدی بازرگان تشکیل گردید. در ۱۹ بهمن نیروی هوایی ارتش با آیت‌الله خمینی پیمان بستند و^[۱۵] یک روز پس از آن طرفداران قانون اساسی با تجمع در استادیوم امجدیه (شهید شیروودی) دست به تظاهرات زدند. و در ساعت ۹ شب سربازان گارد شاهنشاهی به پادگان نیروی هوایی در شرق تهران (خیابان دماوند) حمله نمودند. در ۲۱ بهمن دولت بختیار زمان حکومت نظامی را افزایش داده و حکومت نظامی را از ساعت ۴ بعدازظهر اعلام نمود. روح‌الله خمینی دستور شکستن زمان حکومت نظامی و حضور مردم در

خیابان‌ها را صادر نمود. و در ۲۲ بهمن با اعلام بی‌طرفی تمامی نیروهای نظامی، سرانجام حکومت سلطنتی ایران (پهلوی) پس از ۵۷ سال سقوط کرد.

در ۹ اسفند بنیاد مستضعفان انقلاب اسلامی در ایران تأسیس شد که به موجب فرمان روح‌الله خمینی، تمام اموال منقول و غیر منقول سلسله پهلوی و مقامات اسبق لشکری و کشوری، در اختیار بنیاد مستضعفان قرار گرفت. بختیار در پیام تلفنی به مدرسه با امیر انتظام سخن گفت و تأکید کرد که بعد از ظهر برای دادن استعفا به ملاقات مهندس بازرگان می‌رود. در ۱۰ اسفند آیت‌الله خمینی تهران به مقصد قم ترک کرد ولی ۱۱ ماه بعد به علت بیماری قلبی در ۲ بهمن ۱۳۵۸ به تهران بازگشت. مدیر عامل شرکت نفت اعلام داشت واژه کنسرسیوم از فرهنگ ایران حذف می‌شود. در اواخر اسفند کمیته امداد (یکی از نهادهای انقلابی) به دستور خمینی به منظور انجام امور عام‌المنفعه تشکیل شد. در سرمای سخت و بارش برف هزاران زن در تهران تظاهراتی به مناسبت روز زن بر پا داشتند که در عمل به تظاهرات ضد حجاب تبدیل شد. این تظاهرات که در دانشگاه تهران بر پا شده بود و به پیشنهاد سخن‌رانان به راهپیمایی انجامید؛ اما در میدان ولی‌عصر گروهی از مردان و زنان مسلمان راه را بر راهپیمایان که عموماً بی‌حجاب بودند بستند و کار به زد و خورد کشید.

وقایع سال ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۰ خورشیدی

در ۱۰ فروردین مردم ایران در یک همه‌پرسی به و به دعوت آیت‌الله خمینی شرکت کردند و با اکثریت قاطع (بیش از ۹۸ درصد) به جمهوری اسلامی (به عنوان نظام حکومتی آینده) رای دادند. در ۱۸ فروردین امیر عباس هویدا، نخست وزیر سابق ایران در دوران شاه با حکم صادق خلخالی قاضی دادگاه انقلاب به اعدام محکوم شد. همچنین بیش از ۲۰۰ تن از مقامات بلند پایه رژیم سابق در خلال دو ماه بعد از انقلاب طی حکمهای دادگاههای انقلاب اعدام گشتند.^{[۱۷][۱۶]} در تاریخ ۱۳ آبان ماه دانشجویان پیرو خط امام به سفارت آمریکا در تهران حمله کردند و افراد حاضر در سفارت را به گروگان گرفتند و این واقعه استعفای دولت موقت و لیبرال مهدی بازرگان را در پی داشت. (مقاله مرتبط در این زمینه: اشغال سفارت آمریکا)

پیش از برگزاری اولین انتخابات ریاست جمهوری در ایران آیت الله خمینی با یک استدلال حقوقی، مجاهدین خلق را به سبب عدم اعتقاد به قانون اساسی از شرکت در انتخابات ریاست جمهوری ایران منع کرد^[۱۸] که موجب انتقاد شدید این سازمان از نیروهای مکتبی حاکم در جمهوری اسلامی گردید. در پنجم بهمن ماه ابوالحسن بنی‌صدر (از فعالان اسلامگرا که تا پیش از انقلاب در فرانسه به فعالیت انقلابی بر ضد حکومت پهلوی میپرداخت) با حمایت خمینی و با پیروزی در انتخابات به عنوان اولین رییس جمهور ایران انتخاب شد. در اواخر فروردین ماه سال ۱۳۵۹ شورای انقلاب با حکم خمینی و با هدف تصفیه دانشگاه‌ها از اساتید و دانشجویان دگراندیش، به اپوزیسیون یا گروه‌های سیاسی منتقد و مخالف نیروهای مذهبی حاکم در جمهوری اسلامی که عمدتاً خاستگاه دانشجویی

داشته و دانشگاه را فضای امن سیاسی و کانون فعالیت‌های خود به شمار می‌آوردند، برای تخلیه دفاتر خود در دانشگاه‌ها مهلتی سه روزه داد. در طی این روزها درگیری و خشونت در دانشگاه‌های ایران به ویژه در دانشگاه تهران به اوج خود رسیده و چند تن کشته و صدها نفر مجروح شده و این سرآغاز رویدادی شد که از آن به عنوان «انقلاب فرهنگی» یاد می‌شود.^{[۱۹][۲۰]} روز دوم اردیبهشت حکم شورای انقلاب در دانشگاه تهران توسط بنی‌صدر ابلاغ شد که تعطیلی دانشگاه‌ها به مدت بیشتر از دو سال و اخراج صدها تن از اساتید و دانشجویان دگراندیش را در پی داشت.^{[۲۱][۲۲][۲۳]}

به دنبال کشمکشها و اختلاف نظرهای بنی‌صدر با حزب جمهوری اسلامی و تلاش ناموفقش در جهت سلب اختیارات آنان و در نتیجه از دست دادن حمایت خمینی، از آنجاکه او به تنهایی توان مقابله با مخالفانش را نداشت و پیشتر هیچگاه به ایجاد یک حزب و یا ائتلاف اقدام نکرده بود، با مجاهدین خلق متحد شد^[۲۴] و در اواخر ماه خرداد او که برای حفظ جان خویش در خفا به سر میبرد مردم را به قیام فراخواند.^[۲۵] در سی‌ام خرداد ۱۳۶۰ تظاهرات خشونت آمیزی در شهرهای مختلف کشور توسط هواداران مجاهدین خلق و بنی‌صدر به راه افتاد به طوری که در تهران تعداد معترضان به حدود نیم میلیون نفر رسید و در پی عکس‌العمل آیت‌الله خمینی و دیگر روحانیون و درگیری معترضان با نیروهای حزب‌اللهی و سپاه پاسداران تنها در اطراف دانشگاه تهران حدود ۵۰ نفر کشته، ۲۰۰ نفر مجروح و ۱۰۰۰ نفر دستگیر شدند.^{[۲۶][۲۷][۲۸]} روز بعد، بنی‌صدر برکنار و دستور بازداشت او توسط روح‌الله خمینی به اتهام خیانت و توطئه علیه نظام صادر شد و به این ترتیب رقابت‌های سیاسی وارد عرصه خشونت آمیزی گشت.^[۲۹]

آماري از برخوردهای بين ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ تا ۳۰ خرداد ۱۳۶۰



کشتار ۱۷ شهریور ۱۳۵۷

- آشوب‌های شهری ۳۲۱ مورد، این آشوب‌ها خشونت‌هایی از درگیری در یک تجمع چند نفره با یکی دو زخمی تا خشونت‌های دامنه‌دار چند هفته‌ای مانند آشوب‌های مربوط به حزب خلق مسلمان یا انقلاب فرهنگی با دهها کشته و زخمی را شامل می‌شوند. [نیازمند منبع]

- حمله به کتابخانه‌ها، کتابفروشی‌ها، دفاتر مطبوعاتی، مراکز فروش نشریات و مراکز دولتی ۱۲۹ مورد.

- ترور، ۸۰ مورد. [نیازمند منبع]

- بمب گذاری، ۵۷ مورد این بمب گذاری‌ها غیر از دهها مورد بمب گذاری خوزستان است که به وسیله دولت عراق و با به کارگیری مزدوران محلی صورت پذیرفته و تعداد آنها از خرداد تا نیمه آبان سال ۱۳۵۸ بالغ بر ۴۵ مورد است. [نیازمند منبع]

به این‌ها باید سه جنگ قومی بزرگ در کردستان، گنبد کاووس و خوزستان را که منجر به دخالت ارتش شدند، اضافه کرد تا مجموعاً در اندکی بیش از ۲۸ ماه تعداد خشونت‌ها

به ۵۹۰ مورد برسد و رقم بی سابقه‌ای را از نظر تعداد، گستره و تنوع اشکال خشونت ورزی در تاریخ معاصر ایران به ثبت برساند. [نیازمند منبع]

صدور انقلاب

اندیشه‌ای است امت‌گرا که بر پایه جهان‌بینی شکل می‌گیرد. هدف آن ایجاد یک اتحاد اسلامی راهبردی و فراگیر است که پس از انقلاب ۱۳۵۷ در ایران و به وسیله انقلابیون اسلامگرا قوت گرفت.

- پیش‌نیازها: زمانی که جهان‌بینی (در این مورد جهان‌بینی اسلامی) از کارکرد و اصالت بیشتری برخوردار شود زمینه برای صدور انقلاب محیا است، که ایجاد این اصالت و کارکرد مشترک نیازمند ایجاد آموزه‌های راهبردی مشترک است.
- اهداف:

- ۱- ایجاد یکپارچگی فکری و سیاسی در بین ملل اسلامی (هم صدایی یا وحدت کلمه).
- ۲- اعمال نظر بیشتر و کاراتر در عرصه موضوعات مهم بین‌المللی. (برای مثال دارا بودن حق وتوی مشترک برای کشورهای اسلامی).
- ۳- ایجاد هویت یکپارچه به منظور تحقق اهداف سیاسی، امنیتی، اقتصادی، فرهنگی و... مشترک. [۳۰] [۳۱]

- عواقب: اعمال و اجرای این سیاست خارجی (گرچه صرفاً در منطقه خاورمیانه) مخالفان سرسختی نیز داشته و دارد، این مخالفت‌ها تا این حد جدی است که

بسیاری معتقدند حمایت اعراب از عراق در هنگام جنگ با ایران به دلیل هراس از عواقب احتمالی سیاست صدور انقلاب بود.

برخورد با مطبوعات

در آگوست سال ۱۹۷۹، (مرداد ۱۳۵۸) روزنامه آیندگان تعطیل شد و در ۲۰ اگوست همان سال نیز چهل و یک نشریه ممنوع الانتشار شدند.^[۳۲]

قوانین اسلامی

پس از انقلاب، مشروبات الکلی ممنوع شد، همچنین جداسازی زنان از مردان در مدارس، استخرها، مناطق ساحلی به مرحله اجرا درآمد. سید روح الله خمینی همچنین پخش موسیقی (به جز مارش‌های نظامی) را از رادیو و تلویزیون ممنوع ساخت.^[۳۳]

تظاهرات زنان بر علیه فرمان خمینی

پس از فرمان خمینی مبنی بر پوشش کامل برای زنان، تظاهراتی از سوی هزاران زن بدون حجاب بر علیه این دستور، در پایتخت برگزار شد.^[۳۴]

دیدگاه‌های گوناگون درباره ماهیت انقلاب



آیت‌الله خمینی هنگام ورود به ایران

فریدون هویدا، برادر امیرعباس هویدا معتقد است، آمیزه‌ای که از مذهب و نیروی جوانان در ایران بوجود آمد، سر سقوط شاه بود.^[۳۵] ویلیام شوکراس، وقایع نگاری که روزهای پایان عمر محمدرضا پهلوی را در کتابی تحت عنوان «آخرین سفر شاه» به رشته تحریر درآورده است، انقلاب ایران را یک قیام گسترده مردمی و اسلامی می‌داند.^[۳۶] ویلیام سالیوان، سفیر آمریکا در ایران، انقلاب ایران را انقلابی عمیقاً مذهبی ارزیابی می‌کرد.^[۳۷] آنتونی پارسونز سفیر انگلستان نیز، در جای جای خاطراتش مخالفان عمده را جوانان مذهبی و ماهیت انقلاب را اسلامی می‌دانست^[۳۸] او معتقد بود که هیچ یک از گروه‌های دیگر مخالف را یارای مقابله با قدرت رهبری آیت‌الله خمینی نبود.^[۳۹] جیمی کارتر یک سال قبل از پیروزی انقلاب (آذر ۱۳۵۶) و در جریان سفر شاه به آمریکا، در ملاقاتی خصوصی به شاه گوشزد کرد که منشاء خطر، رهبران مذهبی هستند.^[۴۰] سایروس ونس وزیر امور خارجه وقت آمریکا معتقد بود، مغناطیسی که گروه‌های مختلف ناراضی را به دور خود جمع کرد، اوپوزیسیون مذهبی بود.^[۴۱] ولادیمیر کوزیچکین، مسئول ارشد

کاگب در ایران نیز فصلی از کتاب خود را «خمینی رهبر» نام نهاده و ماهیت انقلاب ایران را اساساً اسلامی و مذهبی می‌داند.

با این حال، معدودی از تحلیلگران و کارشناسان مانند مارک داونز، اگرچه اپوزیسیون علیه شاه را در جریان انقلاب ایران، دارای رنگ و بوی مشخصاً اسلامی می‌دانند، اما اسلام را تنها ایدئولوژی حاضر در انقلاب نمی‌دانند. اینان گروه‌هایی مانند مارکسیستها، کمونیستها، لیبرال‌ها، و گروه‌های دیگر غیر اسلامی نیز از نیروهای موثر در انقلاب می‌دانند.^[۴۲] نویسندگان دیگری نیز همچون هاله افشار تشکیل یک «ائتلاف» و «اتحاد موقت ناسازگار» در جریان انقلاب را (میان نیروهای مذهبی و سایر نیروها) صرفاً برای مقاومت و براندازی شاه قلمداد کرده، و نه بعنوان صرفاً تاییدی بر یک دولت اسلامی پس از انقلاب.^[۴۳]

علاوه بر افراد فوق، معدودی از کارشناسان مسایل ایران نیز معتقدند که انقلاب ایران، حداقل در آغاز انقلابی اسلامی نبوده‌است. گری سیک به عنوان یکی از آگاه‌ترین کارشناسان سیاسی آمریکا در مسایل ایران در کتاب معروف خود «همه سقوط می‌کنند» (All Fall Down) می‌نویسد:

“ در ایران هدف اولیه نیروهای مخالف، سرنگونی رژیم سلطنتی و استقرار جمهوری اسلامی نبود. بسیاری از کسانی که در آغاز این حرکت در تظاهرات خیابانی شرکت کردند و موج اولیه انقلاب را بوجود آوردند، به اجرای قانون اساسی سال ۱۹۰۶ راضی بودند.”

اسلامی بودن انقلاب

نوشتار اصلی: انقلاب اسلامی ایران

امروزه در بسیاری از منابع داخل و خارج از ایران، از انقلاب سال ۱۳۵۷ ایران با نام «انقلاب اسلامی» یاد برده می‌شود. با اینحال گروه‌های مخالف دیگری نیز در این انقلاب شرکت داشتند که «اسلامی بودن انقلاب» را یک نوآوری توسط گروه‌های اسلامگرا پس از وقوع انقلاب میدانند. بطور مثال، منوچهر گنجی «تحمیل» دین سالاری در ایران پس از پیروزی انقلاب را به هیچ وجه از اهداف اولیه انقلاب نمیداند، و روح الله خمینی را متهم به «مخفی ساختن نیت خود و اغفال مردم برای یاری وی در به پیروزی رساندن انقلاب» می‌کند.^[۴۴] به نوشته ایلین شولینو، خمینی مظاهر متفاوتی برای انقلابگران متفاوت را داشت: برای روشنفکران و لیبرالهای ملی نماد یک دموکرات را داشت، برای روحانیون یک رهبر با تقوی، برای بازاریان و تجار یک فرد معتقد به اقتصاد بازار آزاد (و غیر وابسته به دولت)، برای طیف چپ و کارگران نماد عدالت اجتماعی، برای خانواده‌ها نماد ارزشهای اصیل، و نماد وحدت و استقلال برای کل کشور را داشت.^[۴۵]

متقابلاً طرفداران نام انقلاب اسلامی استدلال می‌کنند که آیت الله خمینی، نظریات حکومتی خود را سالها قبل در طول کلاسهای درس خود تشریح کرده بود. علاوه بر آن کتاب «نامه‌ای از امام موسوی کاشف الغطاء» که بعدها تحت عنوان «ولایت فقیه» بارها تجدید چاپ گردید، برای اولین بار در مهرماه سال ۱۳۵۶ منتشر و با شماره ۱۰۵۲ مورخ سوم مهرماه پنجاه و شش در کتابخانه ملی ثبت شده‌است. در این کتاب، مجموعه دروس و سخنرانیهای آیت‌الله خمینی در باب حکومت اسلامی و ولایت فقیه آورده شده‌است. وی در

این کتاب علنا و با صراحت، مخالفت خود را با حکومت مشروطه سلطنتی بیان داشته و نظریات خود را در باب حکومت جایگزین آن باز گفته است...^[۴۶]

“... این مواد قانون اساسی (مشروطه) و متمم آن همه ضد اسلامی است. سلطنت و ولایتعهدی همان است که اسلام بر آن خط بطلان کشیده است^[۴۷].... گاهی در کتابها و روزنامه‌هایشان می‌نویسند احکام جزائی اسلام، احکام خشنی است... اگر اسلام بگوید برای جلوگیری از فساد در نسل جوان، یک نفر را در محضر عموم شلاق بزنند خشونت دارد؟^[۴۸]... ما معتقد به ولایت هستیم... ما خلیفه می‌خواهیم تا اجرای قوانین کند. قانون مجری لازم دارد... مبارزه در راه تشکیل حکومت اسلامی لازمه اعتقاد به ولایت است... شما وظیفه دارید حکومت اسلامی تاسیس کنید^[۴۹]... اطاعت از «ولی امر» واجب شمرده شده است... فقهای عادل عهده‌دار این مقامات هستند^[۵۰]... شارع مقدس اسلام یگانه قدرت مقننه است. هیچکس حق قانونگذاری ندارد... در حکومت اسلامی بجای مجلس قانونگذاری... مجلس برنامه‌ریزی وجود دارد^[۵۱]. ولایت یعنی حکومت و اداره کشور و اجرای قوانین شرع... در این موارد معقول نیست که رسول اکرم (ص) و امام با فقیه فرق داشته باشد^[۵۲].”

لذا از دید این گروه، آیت‌الله خمینی درباره اصل ولایت فقیه و حکومت اسلامی، هیچ ناگفته‌ای را باقی نگذاشته بود و کسانی که در جریان انقلاب رهبری وی را پذیرفتند، ولی پس از انقلاب با قانون اساسی و اصل ولایت فقیه به مخالفت پرداختند، یا این مطالب را نخوانده و یا درک نکرده بودند...^[۵۳]



چند کشته بر اثر درگیری خیابانی

پانویس

۱. ↑ John L. Esposito, *Islam*, Oxford University Press, p. ۱۶۱
۲. ↑
- Ervand Abrahamian. *Iran Between Two Revolutions*. ۱۹۸۲
ISBN ۰۶۹۱۱۰۱۳۴۵, ۵۰۵, ۹۷۸۰۶۹۱۱۰۱۳۴۷, ۵۰۶.
۳. ↑ Hamid Algar, *Biography Imam Khomeini: A Short*,
ch. The Islamic Revolution, ۱۹۷۸-۷۹
۴. ↑
- Ervand Abrahamian. *Iran Between Two Revolutions*. ۱۹۸۲
ISBN ۰۶۹۱۱۰۱۳۴۵, ۵۰۵, ۹۷۸۰۶۹۱۱۰۱۳۴۷, ۵۰۶.
۵. ↑ نخست وزیران ایران از مشیرالدوله تا بختیار، باقر عاقلی، انتشارات
جاویدان، چاپ ۱۳۷۰، صفحه ۱۱۱۳-۱۱۱۴
۶. ↑
- Ervand Abrahamian. *Iran Between Two Revolutions*. ۱۹۸۲
ISBN ۰۶۹۱۱۰۱۳۴۵, ۵۱۰, ۹۷۸۰۶۹۱۱۰۱۳۴۷.
۷. ↑ Iran. (2009). *Encyclopædia Britannica*. Ultimate Reference

.Suite

↑ ۸

Ervand Abrahamian. *Iran Between Two Revolutions*. ۱۹۸۲

ISBN ۰۶۹۱۱۰۱۳۴۵, ۵۰۵.۹۷۸۰۶۹۱۱۰۱۳۴۷.

↑ ۹

Ervand Abrahamian. *Iran Between Two Revolutions*. ۱۹۸۲

ISBN ۰۶۹۱۱۰۱۳۴۵, ۵۰۵.۹۷۸۰۶۹۱۱۰۱۳۴۷.

↑ ۱۰

Ervand Abrahamian. *Iran Between Two Revolutions*. ۱۹۸۲

ISBN ۰۶۹۱۱۰۱۳۴۵, ۵۰۶.۹۷۸۰۶۹۱۱۰۱۳۴۷.

↑ ۱۱ نخست وزیران ایران از مشیرالدوله تا بختیار، باقر عاقلی، انتشارات

جاویدان، چاپ ۱۳۷۰، صفحه ۱۱۱۳-۱۱۱۴

and Revolution in the Middle East, Henry Munson, Islam ↑ ۱۲

Yale University Press, p. 59

↑ ۱۳

Ervand Abrahamian. *Iran Between Two Revolutions*. ۱۹۸۲

ISBN ۰۶۹۱۱۰۱۳۴۵, ۵۰۶.۹۷۸۰۶۹۱۱۰۱۳۴۷.

۱۴. ↑ تقویم رسمی ایران برای سال ۱۳۸۸ خورشیدی (فارسی). مرکز تقویم مؤسسه ژئوفیزیک دانشگاه تهران. بازدید در تاریخ ۲۱ دی ۱۳۸۷.
۱۵. ↑ روز نیروی هوایی ارتش. مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۱۶. ↑ Moin, Khomeini, 2000. ۲۰۸p.
۱۷. ↑ Mackay, Iranians, ۱۹۹۶. ۳۷۳p.
۱۸. ↑ انتخابات ریاست جمهوری (اول و هفتم) در وبگاه روزنامه ایران (شماره ۲۱۴۷، دوشنبه ۲۰ خرداد ۱۳۸۱)
۱۹. ↑ انقلاب فرهنگی: رویارویی سیاسی یا اسلامی کردن دانشگاه، وبگاه رادیو فردا، ۱۳۸۶/۰۲/۰۱
۲۰. ↑ تولد از بطن خشونت: به بهانه سالروز تشکیل ستاد انقلاب فرهنگی وبگاه بی بی سی فارسی، ۱۳ ژوئن ۲۰۰۶
۲۱. ↑ تولد از بطن خشونت: به بهانه سالروز تشکیل ستاد انقلاب فرهنگی وبگاه بی بی سی فارسی، ۱۳ ژوئن ۲۰۰۶
۲۲. ↑ ایران امروز، ریشه‌ها و پی‌آمدهای انقلاب به قلم نیکی کدی و یان ریچارد، صفحه ۲۵۰
۲۳. ↑ ایران تحت سلطه آیت‌الله‌ها به قلم دلیپ هیرو، صفحه ۱۶۰
۲۴. ↑ انتخابات ریاست جمهوری (اول و هفتم) در وبگاه روزنامه ایران، شماره ۲۱۴۷ - سال هشتم - دوشنبه ۲۰ خرداد ۱۳۸۱
۲۵. ↑ ایران امروز، ریشه‌ها و پی‌آمدهای انقلاب به قلم نیکی کدی و یان ریچارد، صفحه ۲۵۳

by Ervand Abrahamian, ,Radical Islam: Iranian Mojahedin ↑ .۲۶
Co Ltd (December 31, & Publisher: I B Tauris ,Page 1

۱۸۵۰۴۳۰۷۷۳-۹۷۸: ۱۳ISBN- ,۱۸۵۰۴۳۰۷۷۲: ۱۰1989), ISBN-

Ervand Abrahamian, Page 218, Iranian Mojahedin, by ↑ .۲۷
ISBN- ,(۱۹۸۹ ,Co Ltd (December 31 & Publisher: I B Tauris

۱۸۵۰۴۳۰۷۷۳-۹۷۸: ۱۳, ISBN-۱۸۵۰۴۳۰۷۷۲: ۱۰

by Ervand Abrahamian, ,Radical Islam: Iranian Mojahedin ↑ .۲۸
Co Ltd (December 31, & Publisher: I B Tauris ,۲۱۹ Page

۱۸۵۰۴۳۰۷۷۳-۹۷۸: ۱۳ISBN- ,۱۸۵۰۴۳۰۷۷۲ :۱۰1989), ISBN-

↑ ابوالحسن بنی صدر (انگلیسی). دانشنامه بریتانیکا (۲۰۰۸). بازدید در تاریخ

۱۷ آوریل ۲۰۰۸.

↑ .۳۰ شعار ما این است که در مسائل اعتقادی، فقها باید به بحث علمی پردازند؛

اما در مباحث اسلامی و سیاسی همه متحد بوده و ملت واحدی داشته

باشند.....

↑ .۳۱ سیاست صدور انقلاب اسلامی منتشر شد.

Country Studies;the Federal وبگاه THE REVOLUTION ↑ .۳۲

as part of the Research Division of the Library of Congress

Country Studies/Area

↑ .۳۳ Ayatullah Khomeini وبگاه تایم

Correspondence/Iran; Explain It Again, Please: Who ↑ .۳۴

Wear a Hat Says I Can't? وبگاه نیویورک تایمز

۳۵. ↑ سقوط شاه. فریدون هویدا. انتشارات اطلاعات. ۱۳۶۵ تهران ص ۱۱۰
۳۶. ↑ آخرین سفر شاه. ویلیام شوکراس. نشر البرز. ۱۳۷۰ تهران صص ۱۳
۳۷. ↑ خاطرات دو سفیر. ماموریت در ایران. ویلیام سالیوان. نشر علم. ص ۱۳۲
۳۸. ↑ خاطرات دو سفیر. غرور و سقوط. آنتونی پارسونز. نشر علم. ص متعدد
۳۹. ↑ خاطرات دو سفیر. غرور و سقوط. آنتونی پارسونز. نشر علم. ص ۳۸۹
۴۰. ↑ خاطرات دو سفیر. ترجمه بخشی از خاطرات کارت (Keeping Faith) نشر علم. ص ۴۴۸
۴۱. ↑ خاطرات دو سفیر. ترجمه بخشی از خاطرات ونس (Hard Choices) نشر علم. ص ۴۴۸
۴۲. ↑ Mark Downes. Published by *Revolution Iran's Unresolved*. Ashgate, University of Michigan. . Original from the ۲۰۰۲. ۸۲pp. ۰۷۵۴۶۳۱۸۸۵ ISBN
۴۳. ↑ «Valayateh Faqih: A blueprint for Islamic government?» Homa .in *Iran Islam and the Post-revolutionary State* in Omid. St. Martin's Press, ۱۹۹۴. ۶۰pp. ۰۳۳۳۴۸۴۴۶۰. ISBN
۴۴. ↑ *Revolution: From a Minister to the Defying the Iranian* Manouchehr Ganji. *Shah to a Leader of Resistance* . Published by Greenwood Publishing Group. ISBN ۲۰۰۲. ۹۲p. ۰۲۷۵۹۷۱۸۷۲

Elaine Sciolino. *The Elusive Face of Iran :Persian Mirrors* ↑. ۴۵

۶۴p. ۰۷۴۳۲۱۴۵۳۶ . ISBN۲۰۰۰ Simon and Schuster,

۴۶. ↑ داستان انقلاب. محمود طلوعی. (ISBN ۹۶۴-۴۰۵-۱۹۸-X) علم. ۱۳۷۰

تهران صص ۲۶۹

۴۷. ↑ نامه‌ای از امام موسوی کاشف الغطاء صص ۱۲ و ۱۳

۴۸. ↑ نامه‌ای از امام موسوی کاشف الغطاء صص ۱۳ و ۱۶

۴۹. ↑ نامه‌ای از امام موسوی کاشف الغطاء صص ۲۰ تا ۲۳

۵۰. ↑ نامه‌ای از امام موسوی کاشف الغطاء صص ۲۷ و ۲۹

۵۱. ↑ نامه‌ای از امام موسوی کاشف الغطاء صص ۵۲ و ۵۳

۵۲. ↑ نامه‌ای از امام موسوی کاشف الغطاء صص ۶۴ و ۶۵

۵۳. ↑ داستان انقلاب. محمود طلوعی. (ISBN ۹۶۴-۴۰۵-۱۹۸-X) علم. ۱۳۷۰

تهران صص ۲۷۳

منابع

- هفته نامه مُبین / چاپ تهران
- مجله همشهری دیپلماتیک / شماره یازدهم
- وبگاه دانشگاه آذربایجان
- تارنمای (وبگاه) یادمان رئیس جمهور
- وبگاه مرکز اسناد انقلاب اسلامی
- روزنامه اطلاعات، ۱۲ بهمن ۱۳۵۷ (ر.ک به بحث این صفحه)
- بی‌بی‌سی فارسی
- ویکی‌پدیای انگلیسی، نسخه ۶ ژوئن ۲۰۰۷ (/ Iranian Revolution, ۲۰۰۷ ,
In Wikipedia, The Free Encyclopedia. Retrieved June ۵, ۲۰۰۷ ,
from June ۶, ۲۰۰۷, ۱۹:۲۴
http://en.wikipedia.org/w/index.php?title=Iranian_Revolution&oldid=136169184
- روز شمار انقلاب سال ۱۳۵۷ (فارسی). رادیو دَری جمهوری اسلامی ایران (در تاریخ ۱۶ اکتبر ۲۰۰۸). بازدید در تاریخ ۲۴ دی ۱۳۸۷.